

سخن سردبیر

نشریه «زیست‌سیاست و توسعه» بر آن است تا نسبت میان سه مؤلفه بنیادین زیست اجتماعی معاصر، یعنی «زندگی»، «سیاست» و «توسعه»، را از منظر انتقادی و میان‌رشته‌ای مورد بازاندیشی قرار دهد. این نشریه می‌کوشد تا با عبور از قرائت‌های کلاسیک و تک‌بعدی، به فهمی چندلایه و پیچیده از توسعه دست یابد؛ فهمی که در آن، حیات انسانی نه صرفاً به عنوان هدفی اقتصادی، بلکه به مثابه عرصه‌ای از کنش‌های سیاسی، فرهنگی و فناورانه مورد توجه قرار گیرد.

از نیمه دوم قرن بیستم، گفتمان توسعه در قالب منظومه‌ای از مفاهیم، نهادها و سیاست‌ها شکل گرفت که هدف آن بهبود کیفیت زندگی، کاهش فقر، افزایش رفاه و گسترش آزادی‌های انسانی عنوان می‌شد. با این حال، تجربه تاریخی چند دهه اخیر نشان داده است که این گفتمان، در بسیاری موارد، نه تنها از تحقق وعده‌های خود بازمانده، بلکه به تشدید نابرابری‌های اجتماعی، سلطه اشکال نوین قدرت و بازتولید وابستگی‌های ساختاری منجر شده است. در چنین زمینه‌ای، ضروری است توسعه نه به عنوان یک «پروژه اقتصادی»، بلکه به مثابه «دانشی سیاست‌مند و مادی» فهم شود؛ دانشی که در دل مناسبات قدرت شکل می‌گیرد و به مدیریت، هدایت و گاه کنترل حیات فردی و جمعی می‌پردازد.

در این میان، مفهوم زیست‌سیاست که در آثار متفکران مدرن و پسا‌مدرن همچون فوکو، آگامبن و اسنایدر مطرح شده، چشم‌اندازی نوین برای فهم پیوند میان زندگی و سیاست فراهم می‌آورد. زیست‌سیاست بر آن است که حیات انسانی - از بدن و سلامت گرفته تا جمعیت و محیط زیست - در کانون مداخلات حکمرانی و سیاست‌گذاری قرار گرفته است. پرسش بنیادین این است که آیا سیاست در خدمت «حفظ و ارتقای زندگی» سامان می‌یابد یا آنکه زندگی به «ابژه‌ای برای سیاست» تقلیل می‌یابد؟ این تمایز، نقطه عزیمت مهمی برای بازاندیشی در مفهوم توسعه است؛ زیرا در صورت نخست، توسعه ابزاری برای افزایش تاب‌آوری زیست انسانی و بهبود کیفیت حیات اجتماعی است، حال آنکه در صورت دوم، توسعه به سازوکاری برای مدیریت و کنترل فرایندهای زیستی و اجتماعی بدل می‌شود.

جهان معاصر شاهد هم‌پوشانی و تنش میان این دو رویکرد است: از یک سو، سرمایه‌گذاری‌های گسترده در حوزه سلامت عمومی، فناوری‌های زیستی و زیست‌محیطی با هدف افزایش امید به زندگی و حفاظت از طبیعت؛ و از سوی دیگر، اشکال نوینی از سلطه بر بدن، زمان و فضای زیست انسان که از رهگذر نئولیبرالیسم، اقتصاد جهانی و سیاست‌های نظارتی تحمیل می‌شود. شکست برداشت‌های کل‌گرا از توسعه، غلبه سیاست‌های نئولیبرال، و برجسته شدن مؤلفه‌های فرهنگی و هویتی در برابر منطق صرف اقتصادی، همگی نشانگر ضرورت بازاندیشی در بنیان‌های نظری و عملی توسعه هستند.

نشریه «زیست‌سیاست و توسعه» در چنین بستری می‌کوشد تا از خلال پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، نسبت میان دانش، قدرت و زندگی را در قلمرو توسعه آشکار سازد. رسالت این مجله نه صرفاً بازتاب دیدگاه‌های کلاسیک توسعه، بلکه گشودن افق‌هایی انتقادی و بدیل است؛ افق‌هایی که بتوانند با پرسشگری مداوم، مسیر فهم تازه‌ای از توسعه را در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی ترسیم کنند. در همین راستا، محورهای کلیدی نشریه می‌تواند بر این مدار قرار گیرند؛

- بازخوانی تاریخی گفتمان توسعه از منظر زیست‌سیاست و تبیین دگرگونی‌های آن در بسترهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛
- واکاوی نسبت ننولیرالیسم با بازتعریف مفهوم زندگی و پیامدهای آن برای عدالت اجتماعی؛
- تحلیل جایگاه بدن، فرهنگ و هویت در سیاست‌های توسعه‌ای نوین؛
- بررسی نقش فناوری‌های زیستی، زیست‌پزشکی و محیط‌زیستی در بازآرایی سیاست‌های توسعه؛
- امکان‌سنجی الگوهای بدیل و بومی توسعه در جوامع غیرغربی با اتکا به تجربه‌های زیسته و روایت‌های محلی.

بی‌تردید، تداوم این مسیر نیازمند گفت‌وگویی انتقادی میان نظریه و عمل، و میان تجربه و تحلیل است. توسعه دیگر نه یک «نسخه جهان‌شمول» که باید در همه جوامع به‌طور یکسان پیاده شود، بلکه فرایندی تاریخی، فرهنگی و سیاسی است که تنها از خلال فهم تجربه‌های متکثر و صداهای به‌حاشیه‌رانده‌شده می‌توان آن را بازشناخت. از این منظر، یکی از اهداف اصلی نشریه، فراهم ساختن بستری برای طرح روایت‌های بدیل، تقویت رویکردهای میان‌رشته‌ای و گشودن چشم‌اندازی تازه برای آینده توسعه در ایران و جهان است.

امید است که مقالات این نشریه بتواند در راستای ارتقای سطح نظری، انتقادی و میان‌رشته‌ای پژوهش‌های توسعه‌ای، گامی هرچند کوچک اما مؤثر بردارد و از رهگذر آن، امکان شکل‌گیری افق‌های تازه‌ای برای بازاندیشی در رابطه پیچیده میان زندگی، سیاست و توسعه فراهم آید.

حسین دانش مهر

سردبیر نشریه زیست‌سیاست و توسعه

بهار ۱۴۰۴